

مقاله پژوهشی: دلیل خروج ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران

جواد شعرباف^۱، سعیده مرادی فر^۲، عسگر صفری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۳۰

چکیده

در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ مطابق با ۸ می ۲۰۱۸ دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران، موسوم به برجام خارج شد. پس از خروج ایالات متحده از برجام، برخی ماهیت نظام بین‌الملل و برخی دیگر نیز ماهیت دولت جدید در ایالات متحده و حتی ایران را از عوامل تاثیرگذار در این تصمیم دانستند. با این وجود، پژوهش با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی استدلال دارد سطح تحلیل سومی را نیز می‌توان در نظر گرفت که آن هم سطح تحلیل فردی (شخصیت خود دونالد ترامپ) است. این به معنی کم اهمیت جلوه دادن دو سطح دیگر نیست، بلکه نگاه سومی است که جزئیات بیشتری را از عوامل منجر شونده به خروج از توافق بیان می‌کند. بنابراین دو استدلال مرتبط با هم مطرح می‌شود؛ اول، ترامپ دارای برخی ویژگی‌های شخصیتی بود (روحیه معامله‌گری، جاه‌طلبی، واقع‌بینی و پوپولیست بودن) که محرک وی برای تصمیم‌های بی‌پروا بود. دوم، تاثیرپذیری دونالد ترامپ از دیگران به‌ویژه افرادی که آخرین مشاوره‌ها را به وی می‌دادند (جان بولتون مشاوره امنیت ملی و مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا، که هر دو از مخالفان سرسخت توافق با ایران بودند) در تصمیم ترامپ در مورد توافق هسته‌ای با ایران دخیل بود.

کلیدواژه‌ها: توافق هسته‌ای، امنیت، دونالد ترامپ، عقب نشینی، تحریم.

^۱ استادیار گروه مطالعات غرب آسیا و آفریقا، دانشگاه تهران، تهران، ایران sharbaf@ut.ac.ir

^۲ دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول) moradi3005@yahoo.com

^۳ دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان، گیلان، ایران asgar.safari2017@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) یا توافق هسته‌ای ایران، توافق‌نامه‌ای است که بین ایران، اعضای دائم شورای امنیت و آلمان (۵+۱) در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ در وین اتریش به امضا رسید. این توافق در راستای حصول اطمینان از صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران، در ازای رفع کامل تحریم‌های ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و همچنین سازمان ملل علیه ایران به امضا رسید. از دید ایران برجام به این کشور اجازه می‌داد تا در راستای ملاحظات علمی و اقتصادی یک برنامه هسته‌ای بومی و منحصرأ صلح‌آمیز را با اهداف اعتمادسازی، مطابق با برجام پیش ببرد تا همکاری‌های بین‌المللی در این زمینه ایجاد گردد. از منظر کشورهای ۵+۱ نیز برجام اجازه می‌داد تا آن‌ها در مورد ماهیت منحصرأ صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران اطمینان به دست آورند.

بنابراین، از دید دو طرف توافق، برجام کم هزینه‌ترین و درعین حال موثرترین راه برای جلوگیری از اختلافات آتی و در نتیجه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بود. با این وجود، هم در ایران و هم در ایالات متحده آمریکا این توافق‌نامه با انتقادهای جدی رو برو بود. در ایالات متحده آمریکا، این انتقادات به ویژه در روزهای پایانی دولت باراک اوباما شکل جدی‌تری به خود گرفته و در طول مبارزات انتخاباتی این کشور در سال ۲۰۱۶ یکی از مهم‌ترین مباحث انتخابات بود. بنابراین، بعد از پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات و تشکیل تیم سیاست خارجی دولت جدید، تجدید نظر در توافق هسته‌ای با ایران تبدیل به یکی از مهم‌ترین اولویت‌های سیاست خارجی ایالات متحده شد. ترامپ و مقامات عالی‌رتبه دولت عقیده داشتند که برجام فعالیت‌های بدخواهانه ایران در منطقه را محدود نکرده و همچنین سایر اقداماتی که دولت قبل برای محدود کردن ایران در نظر گرفته بود ایران را تحریک و منجر به بی‌ثباتی در منطقه شده است.

آن‌ها عقیده داشتند که ضعف‌های اساسی در برجام وجود دارد. بنابراین، این توافق‌نامه به حدکافی منافع ملی ایالات متحده آمریکا را تامین نمی‌کند. این امر باعث گردید که دونالد ترامپ ضمن مخالفت با ادامه توافق هسته‌ای با ایران در دوره‌های زمانی ۹۰ روزه و

۱۲۰ روزه توافق با ایران را تمدید کند. با این حال در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ در یک اقدام اساسی خروج ایالات متحده آمریکا و اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران را اعلام کرد. پس از خروج ایالات متحده از برجام، برخی ماهیت نظام بین‌الملل و تحولاتی صورت گرفته در آن و برخی دیگر نیز ماهیت دولت جدید در ایالات متحده و حتی ایران را از عوامل تاثیرگذار در تصمیم دولت ایالات متحده دانستند. دو سطح تحلیل نظام بین‌المللی و نقش‌آفرینی دولت مورد تاکید بود. اما چیزی که در میان ادبیات پژوهشی مربوط به برجام و تحولات پس از آن مورد غفلت قرار گرفته بود، سطح تحلیل فردی و یا همان ویژگی‌های شخصیتی ترامپ بود. بر همین اساس این پژوهش در تلاش برای پاسخ به این سوال است که چه ویژگی‌هایی در شخصیت دونالد ترامپ وجود داشت که باعث گردید وی تصمیم به خروج از برجام بگیرد؟

۱. مبانی نظری

بخش مهمی از تاریخ نظری روابط بین‌الملل مربوط به پژوهش‌هایی است که در آن‌ها موضوعاتی مانند سیستم بین‌المللی، دولت، جامعه و ساختار داخلی دولت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. عنصر فراموش شده در بسیاری از این پژوهش‌ها نقش فرد و به‌ویژه رهبران ملی در فرایند شکل‌گیری سیاست خارجی و به طبع نقش‌آفرینی آن‌ها در روابط بین‌الملل است. این مسئله تا حد زیادی ناشی از تسلط دو سطح دیگر یعنی دولت و سیستم بین‌المللی بر مطالعات حوزه روابط بین‌الملل بوده است. اما رویکرد سومی را نیز می‌توان فرض کرد و آن عنصر فرد و یا سطح تحلیل فردی است. سطح تحلیل فردی یک رویکرد خاص - بازیگر به روابط بین‌المللی دارد و مبتنی بر این فرض است که بسیاری از اقدامات و تعاملات دولت‌ها منتج از تصمیم‌گیری‌های انسانی به‌صورت فردی و یا در داخل گروه است (Hudson, ۲۰۰۵: ۲). در این سطح از تحلیل، تمرکز بر روی افراد و به‌ویژه تصمیم‌گیرندگان است. با به‌کارگیری این سطح باید به تفاوت‌های موجود بین رهبران توجه شود (Newmann, ۲۰۱۲).

به عنوان مثال والتز^۱ در بیان نقش فرد استدلال دارد که یکی از مهم‌ترین دلایل جنگ مربوط به ماهیت و رفتار بشر است. جنگ نتیجه خودخواهی است، جنگ از سلطه‌جویی گمراه‌کننده و حماقت بشر ناشی می‌شود (Waltz, ۲۰۰۱: ۱۶)، البته طیف مختلفی از رویکردها در این زمینه از جمله مدل عقلانی، نظریه‌های روانشناسی (نقش شخصیت) و تئوری شناختی وجود دارد. تئوری شناختی، روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها را از طریق بررسی روش‌هایی که «رهبران» جهان را درک می‌کنند مورد مطالعه قرار می‌دهد. از دید آرون راپورت^۲ تئوری شناختی شامل «فعالیت‌های ذهنی مانند مشاهده محرک‌های متفاوت در یک محیط، حفظ و فراخوانی اطلاعات، و همچنین فعالیت‌های پیچیده مانند قضاوت‌های اجتماعی، استدلال تحلیلی و یادگیری است» (Rapport, ۲۰۱۷: ۲). تئوری شناختی بر روی این موضوع که چگونه افراد و گروه‌های کوچک در فرآیندهای تصمیم‌گیری درگیر می‌شوند، تمرکز دارد. هالستی^۳ استدلال می‌کند به‌طور کلی مشخص شده است که رفتار فردی تا حد زیادی از طریق شیوه‌های که او محیط فیزیکی و اجتماعی را درک، تشخیص و ارزیابی می‌کند شکل می‌گیرد. به‌طور مشابه، معلوم شده است که به‌منظور تجربه و مقابله با واقعیت‌های پیچیده و گیج‌کننده محیط، افراد باید اعتقادات ساده و ساختاریافته‌ای را در مورد ماهیت پیرامون خود شکل دهند. درک افراد به نوبه خود از طریق مجموعه‌ای از اعتقادات یا نقشه‌های شناختی از قسمت‌های مختلف محیط فیزیکی و اجتماعی فیلتر می‌شود (Holsti, ۱۹۷۶: ۱۲).

از آنجایی که روابط بین‌الملل و به‌ویژه سیاست خارجی عرصه تصمیم‌گیری و نقش‌آفرینی افراد، در قالب یک دولت، و یا به‌صورت رهبران کشورهای مختلف می‌باشد، تئوری شناختی در این حوزه مطرح می‌شود. روزاتی^۴ و میلر^۵ در مورد

¹ Waltz

² Aaron Rapport

³ Ole R. Holsti

⁴ Jerel Rosati

⁵ Colleen E. Miller

این که چگونه تئوری شناختی به سیاست خارجی مرتبط می‌شود استدلال می‌کنند که ادبیات موجود، حداقل پنج شیوه اساسی را در این زمینه ارائه می‌دهد:

از طریق محتوا یا اعتقادات سیاست‌گذاران

از طریق سازمان و ساختار اعتقادات سیاست‌گذاران

از طریق الگوهای مشترک از برداشت و سوء برداشت (مانند تمایل به طبقه‌بندی و کلیشه‌سازی، ساده‌سازی نتیجه‌گیری‌های علمی و استفاده از تحلیل‌های تاریخی)

از طریق استحکام و انعطاف‌پذیری شناختی (تاثیر آن برای تغییر و یادگیری)

از طریق تاثیر آن در سیاست (برنامه‌ریزی و تنظیم، فرمولاسیون و انتخاب، رفتار و پیاده‌سازی) (Rosati and Miller, ۲۰۱۰: ۹).

ارتباط رویکرد شناختی با تصمیم‌گیری سیاست خارجی تا حدودی بر این فرض استوار است که آن راهی برای ساخت نوعی چارچوب نظری جامع است که به ما امکان می‌دهد تا پاسخ‌های تصمیم‌گیران به رویدادهای بین‌المللی، از جمله تصمیمات در شرایط بحران و برخی از شرایط که شامل پویایی برنامه‌ریزی و پیش‌بینی است، توضیح دهیم (۱۴۸: Shapiro and Bonham, ۱۹۷۳). رویکرد شناختی نقش باورها و تصاویر را در سیاست‌های یک رهبر در نظر می‌گیرد. در درجه اول رویکرد شناختی با سولاتی سروکار دارد که عمدتاً بر توضیح جهان‌بینی سیاست‌گذاران تمرکز دارد و تغییراتی که در باورها و برداشت‌های این تصمیم‌گیران در طول زمان روی می‌دهد، توضیح می‌دهد. از سوی دیگر تاثیر این باورها را بر تصمیم‌گیری وی در عرصه سیاست خارجی مورد ارزیابی قرار می‌دهد (۳: ۲۰۰۵, Hussain and shakoor). از دید روزاتی رویکرد شناختی بسیاری از اندیشه‌ها و اعمال غربی را که بر پایه عقلانیت فردی مفروض گرفته می‌شود، به چالش می‌کشد. جایی که رویکرد بازیگر عقلانی افراد را روشنفکر و سازگار با تغییرات در محیط فرض می‌گیرد، رویکرد شناختی بر این عقیده است که افراد به دلیل اعتقاداتشان و شیوه پردازش اطلاعات، تمایل بیشتری به بسته نگه داشتن مغز خود دارند، بنابراین آن‌ها در مقابل تغییراتی که در محیط صورت می‌گیرد، مقاومت نشان می‌دهند. رویکرد شناختی بر

اهمیت بررسی افرادی که در فرایند تصمیم‌گیری مشارکت دارند تاکید دارد، زیرا آن‌ها محیط خود را متفاوت می‌بینند (Rosati, ۱۹۹۵: ۵۰).

در تئوری شناختی به این موضوع پرداخته شده که تجارب فردی متفاوت است پس عاقلانه نیست که از تعمیمات عمومی استفاده شود، بلکه برای بررسی رهبران سیاسی فردی باید آن‌ها را به عنوان واحدهای جداگانه در نظر گرفت. تئوری شناختی آگاهی، روشن‌فکری و سازگاری نسبی افراد نسبت به یک محیط عینی را فرض نمی‌گیرد، اما این فرض را مطرح می‌کند که احتمال دارد افراد محیط پیرامون خود را به گونه‌ای متفاوت ببینند و براساس آن چیزی که در داخل محیط روانشناختی خود اتفاق می‌افتد عمل کنند. به عبارتی هر فرد در طول دوره رشد خود مجموعه‌ای از اعتقادات و ساختارهای شخصیتی را در مورد محیط فیزیکی و اجتماعی به دست می‌آورد. این باورها فرد را با یک روش منسجم نسبی در زمینه سازماندهی و ایجاد حس تجهیز می‌کند. فقدان این عنصر باعث می‌شود که نشانه‌ها و محرک‌های محیط پیرامون برای فرد گیج‌کننده و آزار دهنده باشد. این باورها و ساختارهای محیط خارجی را برای فرد ساده و ساختارمند می‌کند (Rosati, ۲۰۰۰).

در مورد اینکه ساده‌سازی و ساختارمندی چگونه در عرصه سیاست خارجی و برای تصمیم‌گیران صورت می‌گیرد دو فرض مطرح شده است؛ اول، محیط بین‌المللی فرایند اطلاعاتی سنگینی را بر تصمیم‌گیران تحمیل می‌کند. شناسایی راه‌حلی که بیشترین بازدهی را در مورد حل و فصل مشکل سیاست خارجی داشته باشد بسیار سخت است. تصمیم‌گیران باید براساس اطاعات ناقص و غیرقابل اعتماد در مورد اهداف و توانایی‌های سایر کشورها تصمیم‌گیری کنند. دامنه‌هایی که می‌توانند جوابگو باشند نامشخص است. پیامدهای احتمالی هر یک از گزینه‌ها معلوم نیست. تصمیم‌گیران باید گزینه‌هایی را انتخاب کنند که کمترین ناسازگاری را داشته باشد. بنابراین در چنین شرایطی فرایند شناختی از طریق ساده‌سازی و مطابقت محیط خارجی با محیط روانشناختی تصمیم‌گیرنده، به سیاست‌گذاران کمک می‌کند. دوم، تصمیم‌گیران سیاست خارجی (همانند همه افراد بشر)

پردازنده‌های اطلاعاتی کم ظرفیتی دارند. بنابراین از طریق ساده‌سازی راهبردها با پیچدگی‌ها و نامطمعنی‌های جهان پیرامون تعامل می‌کنند. ظرفیت ذهن بشر برای فرمول‌بندی و حل مشکلات پیچیده‌ای که حل و فصل آن‌ها نیازمند رفتار عقلانی عینی در جهان واقعی است در بسیاری از موارد محدود است (Tetlock and Mcguire, ۱۹۸۶: ۵۰-۵۱).

بنابراین در طول تصمیم‌گیری به‌طور کلی و تصمیم‌گیری در عرصه سیاست خارجی به‌طور اخص، تصمیم‌گیرندگان برای کاهش فشار تصمیم‌گیری و یا ساده‌سازی فرایند تصمیم‌گیری، بیشتر بر سازگاری شناختی تکیه می‌کنند. سازگاری شناختی به این معنی است که تصمیم‌گیرندگان اطلاعات خاصی را که با برداشت‌ها و باورهای قبلی مخالف هستند، کنار می‌گذارند، و از طرف دیگر به اطلاعاتی که با اعتقادات و باورهای قبلی آنها سازگاری دارند توجه بیش از اندازه‌ای می‌کنند. در مورد تفکر گروهی هم، اطلاعاتی که مخالف با اجماع یا رای اکثریت است نادیده گرفته می‌شود. در اینجا گرایش به درک اطلاعات ورودی براساس انتظارات از قبل شکل گرفته، است. به عبارت دیگر اطلاعات ورودی براساس برداشت‌ها و باورهایی که از قبل وجود دارد پردازش می‌شود. بنابراین تصمیم‌گیرندگان آن چیزی را درک می‌کنند که انتظار داشتند وجود داشته باشد. به همین دلیل اطلاعاتی که با تصاویر قبلی و انتظارات مطابقت دارد از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌شود، درحالی که جستجو برای انواع دیگر اطلاعات صورت نمی‌گیرد یا محدود است (Mintz and DeRouen, ۲۰۱۰: ۹۸).

در سال‌های اخیر تحولی گسترده در عرصه ارتباطات و اطلاع‌رسانی در حال وقوع است که چشم‌انداز کاملاً متفاوتی از مفهوم و عملکرد تاثیر رسانه در برابر پژوهشگران قرار داده است. این تحول که بسیاری آن را تحول انقلابی در عرصه ارتباطات و شروع پارادایمی جدید در زندگی جوامع امروزی می‌خوانند، ظهور و توسعه حیرت‌آور رسانه‌های نوین در جهان امروز است که در طول زمانی کوتاه در سراسر جهان گسترش یافته و مهم‌ترین شکل و آشکارترین محصول آن اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی

است (ویچیونه^۱ و همکاران، ۲۰۱۹: ۴۸۹). امروزه فضای مجازی به عنوان پل ارتباطی برای تاثیرگذاری بر افکار عمومی به رسانه‌ای قابل دسترس و فراگیر تبدیل شده است. فضای مجازی به صورت شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به‌عنوان محلی برای تضارب آرا و نظرات سیاسی و اجتماعی مطرح شود یا در جهت ایجاد موج‌های حمایتی-انتقادی یا اپوزیسیون عمل کند و به همین دلیل تاثیر فضای مجازی به خصوص در انتخابات و مسائل سیاسی جامعه قابل توجه است (کرمی، ۱۳۹۸: ۷).

این فضا، با در دست گرفتن افکار عمومی، کنترل و هدایت آن و همچنین تهییج و بکارگیری آن نقش جدی در عرصه قدرت بازی می‌کند و این درهم تنیدگی فضای زندگی و رسانه‌های نوین آنچنان برجسته شده که بخش‌های مهم زندگی را تحت تأثیر قرار داده و سیاست را به عنوان جزو مهم این فضا دستخوش تغییر کرده است (هرسیج، ۱۳۹۸: ۱۱). با این توصیف، فضای مجازی، در دنیای پیشرفته کنونی که در آن فناوری به سرعت پیشرفت کرده، آثار قابل ملاحظه‌ای داشته است. تا آنجاکه در ایجاد بحران‌ها، حرکت‌های اعتراضی، شورش‌ها و از سوی دیگر مقابله با بحران‌ها و مشکلات اجتماعی آثار انکار ناپذیری دارد. وجه تمایز مهم شبکه‌های مجازی از دیگر گروه‌ها این است که حکومت‌ها و ناظران دولتی نمی‌توانند کنترل چندانی بر این شبکه‌ها داشته باشند (غفاری و نیازی، ۱۳۹۸: ۷۹)، با این وجود، این رسانه‌ها از طریق گسترش بحث و گفتگوی سیاسی در بین شهروندان باعث می‌شوند تا رفتار مدنی نیز تقویت شود و آگاهی افراد نسبت به مسائل روز سیاسی تقویت گردد امروزه استیفای حقوق و مطالبات و ایفای وظایف و تعهدات میسر نخواهند شد مگر با مسلح شدن به سلاح آگاهی سیاسی و شناخت اهداف و وظایف دولت و نیز جایگاه فرد و رابطه‌اش با اقتدار دولت (سید امامی، ۱۳۹۶: ۹). پس، آگاهی سیاسی مردم و نیز احساس مسئولیت آن‌ها در قبال سرنوشت خود، جامعه و کشورشان موجب احساس پاسخگویی در وهله اول و در وهله دوم پاسخگو بودن عملی مسوولان و مجریان سیاست (که انتخاب شده توسط همین مردم فاقد یا دارای

¹ Vecchione

آگاهی سیاسی هستند) شده و متضمن ارتقای مطلوبیت‌های جامعه و نهایتاً بقای آن خواهد شد (قلی نژاد، ۱۳۹۷: ۸۷).

فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی همچون تلگرام، واتساپ، اینستاگرام و غیره می‌توانند اثرات مثبت و منفی بر گروه‌های مختلف اجتماعی داشته باشند که در این راستا، استفاده از ظرفیت‌های این شبکه‌های اجتماعی می‌تواند زمینه‌ای را فراهم نماید که با ارایه اطلاعات مفید و مثبت در حوزه سیاسی، دانش، شناخت و آگاهی سیاسی شهروندان را افزایش داد (احمدی، ۱۳۹۸: ۱۶). شهروندان فعالیت زیادی در این فضا (فضای مجازی) و شرکت در شبکه‌های اجتماعی و از جمله گروه‌های اجتماعی هستند که به دلیل افزایش آگاهی سیاسی به‌ویژه با توجه به گسترش ارتباطات در سال‌های اخیر، بیشترین تاثیر را از مسائل پیرامون فضای مجازی می‌پذیرند (درفشان و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۰).

همان‌طور که گفته شد در سال‌های اخیر بستر شبکه‌های اجتماعی نقش قابل توجهی در رخدادهای سیاسی همچون انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس شورای اسلامی و سایر انتخابات محلی بصورت قابل توجهی پیدا کرد است به طوری که در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶ ایران، تبلیغات در شبکه‌های مجازی نقش تعیین کننده‌ای در پیروزی رئیس جمهور داشت (خواججه‌سروری و نوربخش، ۱۳۹۷: ۶۰). همچنین در انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۸ اکثر نامزدها از شبکه‌های اجتماعی برای تبلیغات و جلب نظر مخاطبان و تشویق آن‌ها به مشارکت در انتخابات استفاده می‌کردند.

یکی از مسائلی که در استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای تقویت مشارکت سیاسی و استفاده از آن برای جلب نظر مخاطبان برای رای دادن به شخص یا جناح خاص وجود دارد این است که به‌نظر می‌رسد استراتژی‌های مسئولان و تصمیم‌گیرندگان برای میزان نوع استفاده از آن برای تقویت مشارکت سیاسی وابسته به شرایط است. طبق پیشینه و اطلاعات موجود در کشور ما هنوز یک استراتژی مشخص و تعریف شده که مورد تایید مراجع ذیصلاح جهت مدیریت فضای مجازی بخصوص در موضوع مشارکت سیاسی در

زمان انتخابات وجود ندارد و هر گروه و شخصی به هر صورت که صلاح بداند در این فضا فعالیت می‌کند و افکار عمومی را منطبق با اهداف سیاسی خاص خود سوق می‌دهد، این در حالی است که امروز فضای مجازی به عنوان بخش مهم و قابل ملاحظه هر جامعه درآمده است و نبود استراتژی مشخص برای مدیریت آن در راستای تقویت مشارکت سیاسی می‌تواند آسیب‌های جدی به جامعه وارد کند چرا که در خلاء نبود استراتژی مشخص برای مدیریت فضای مجازی حتی گروه‌های سیاسی همسو و متعهد هم دچار سردرگمی می‌شوند و نمی‌دانند که چگونه افکار عمومی را جهت تقویت مشارکت سیاسی و همچنین انتخاب افراد اصلح جهت دهند؛ بنابراین تدوین یک استراتژی مناسب برای مدیریت فضای مجازی با رویکرد مشارکت سیاسی یک ضرورت محسوب می‌شود که همین امر محقق را بر آن داشت تا با شناسایی فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و ضعف شبکه‌های اجتماعی در رخدادهای سیاسی یک استراتژی مشخص برای مدیریت فضای مجازی برای تقویت مشارکت سیاسی ارائه دهد.

بر اساس مطالب ذکر شده این تحقیق با هدف تحلیل استراتژیک مدیریت فضای مجازی با رویکرد مشارکت سیاسی با استفاده از از تکنیک سوات انجام می‌شود و تا به این سوال جواب دهد که نقاط ضعف و قوت مدیریت فضای مجازی با رویکرد مشارکت سیاسی کدامند؟ همچنین مشخص کند که تهدیدها و فرصت‌ها مدیریت فضای مجازی با رویکرد مشارکت سیاسی کدامند؟ و استراتژی مناسب برای مدیریت فضای مجازی با رویکرد مشارکت سیاسی چه استراتژی است؟

۲. روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از حیث هدف تحقیقی، کاربردی است، از حیث سطح تحلیل، برخوردار از ماهیتی توصیفی - تحلیلی و از حیث رویکرد و طبقه‌بندی روش، کتابخانه‌ای است. داده‌های موردنیاز از راه مطالعات کتابخانه‌ای و با استفاده از ابزار فیش‌برداری گردآوری شده است.

۳. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

برنامه جامع اقدام مشترک^۱ یا توافق هسته‌ای ایران در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ به وسیله ایران و پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل به همراه آلمان (۱+۵) امضا و به‌طور رسمی در اواسط ماه ژانویه ۲۰۱۶ به اجرا درآمد. با این حال، علیرغم استدلال‌هایی که از سوی باراک اوباما و حامیان آن در حمایت از این توافق صورت گرفت، بحث برجام تبدیل به یکی از بحث برانگیزترین مباحث در سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده آمریکا شد. برخی‌ها معتقد بودند که این توافق غیرقابل پذیرش و برخی دیگر عنوان می‌کردند که ایران قطعاً محدودیت‌های اعمال شده بر فعالیت هسته‌ای خود را انجام نخواهد داد. دونالد ترامپ یکی از مهم‌ترین منتقدین این توافق بود.

بنابراین بعد از روی کار آمدن ترامپ، تلاش‌های زیادی از سوی واشنگتن برای باطل کردن برجام و وارونه کردن سیاست خارجی دولت اوباما در مورد ایران صورت پذیرفت. ترامپ برجام را به عنوان یکی از بدترین معاملات در طول تاریخ می‌دانست (Mousavian and Mousavian, ۲۰۱۸: ۴) و تمایل به محدودسازی یا حتی در صورت امکان متوقف کردن دست‌آوردهای ایران از برجام داشت (Ahmadian, ۲۰۱۸: ۱۴۱). از جمله اقدامات ترامپ در مورد برجام تشکیل یک کارگروه از کارمندان کاخ سفید برای فراهم کردن امکان بی‌اعتبارسازی این توافق‌نامه در یک دوره بازبینی نمود روزه بود. او در زمان سخنرانی در این کارگروه اعلام کرد که وی تلاش دارد توافق‌نامه را بی‌اعتبار سازد (Winter et al, ۲۰۱۷).

علاوه بر این در اکتبر ۲۰۱۷ ترامپ ضمن بی‌اعتبار خواندن برجام، تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت آن را به کنگره واگذار و این موضوع را نیز به صراحت اعلام کرد که اگر کنگره نتواند به راه حلی عادلانه دست یابد، توافق‌نامه خاتمه خواهد یافت (Mousavian and Mousavian, ۲۰۱۸: ۱۴). کنگره ۱۲۰ روز مهلت داشت تا در این مورد که آیا تحریم‌های جدید باید علیه ایران اعمال شود یا خیر، تصمیم‌گیری کند. کنگره در این

¹ The Joint Comprehensive Plan of Action

مهلت زمانی نتوانست به نتیجه قابل قبولی دست یابد. بنابراین در ژانویه ۲۰۱۸ ترامپ با این هشدار که اگر عیب‌های فاجعه‌بار توافق‌نامه اصلاح نشود، ایالات متحده آمریکا از آن عقب نشینی خواهد کرد برای آخرین بار از اعمال تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران اجتناب کرد (۲۹: ۲۰۱۸, Khodadadi). از طریق دادن مهلت به کنگره ترامپ به دنبال دستیابی به خواسته‌های خود بود. او در بیانیه‌ای اعلام کرد که آماده همکاری دوجانبه با کنگره برای وضع قوانین در مورد ایران است. با این وجود، خواسته‌های دولت باید تامین شود. وی تاکید داشت که هر لایحه‌ای که من امضا می‌کنم باید شامل چهار جزء مهم باشد؛ لایحه یا قانون باید از ایران بخواهد تا اجازه بازرسی‌های فوری از تمام سایت‌هایی که بازرسان بین‌المللی درخواست می‌کنند را بدهد.

باید اطمینان حاصل شود که ایران هرگز حتی به داشتن سلاح هسته‌ای نزدیک نمی‌شود.

برخلاف معامله هسته‌ای، این مقررات نباید تاریخ انقضا داشته باشند.

این قانون باید به‌طور صریح در قانون ایالات متحده برای اولین بار قید گردد که برنامه‌های موشکی و سلاح‌های هسته‌ای در دراز مدت جدایی‌ناپذیر هستند، به همین دلیل توسعه و آزمایش موشک‌های ایران باید به شدت تحریم شود (Wilts, ۲۰۱۸).

علیرغم کشمکش‌های فراوان بین کنگره و دولت ترامپ و همچنین فشارهایی که از سوی جامعه بین‌المللی وجود داشت، ترامپ در ۸ می سال ۲۰۱۸ خروج ایالات متحده آمریکا از برجام را اعلام کرد. وی در توجیه تصمیم خود برای خروج از این توافق‌نامه اعلام کرد که «برای من روشن بود که ما نمی‌توانیم از طریق ساختار فاسد و پوسیده این توافق‌نامه از دست‌یابی ایران به بمب هسته‌ای جلوگیری کنیم» (Liptak and Gaouette, ۲۰۱۸). مایک پومپئو^۱ وزیر خارجه ایالات متحده نیز بعد از خروج ایالات متحده آمریکا از برجام در یک بیانیه رسمی اعلام کرد «بعد از خروج از توافق با ایران ما با متحدان خود همکاری می‌کنیم تا به راه حلی واقعی، جامع و پایدار در مورد تهدیدات ایران دست یابیم. ما با متحدان خود در اروپا و سراسر جهان منافع مشترکی در جلوگیری از توسعه سلاح‌های هسته‌ای به وسیله

¹ Mike Pompeo

ایران داریم، اما تلاش ما از تهدید هسته‌ای گسترده تر است» (۲۰۱۸ U.S. Department of State).

۳-۱. دلایل خروج دونالد ترامپ از برجام

در باب چرایی تصمیم ترامپ برای خروج از برجام دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است. زاک بیوچامپ^۱ عقیده دارد که درک انگیزه‌های پنهان ترامپ برای تصمیم‌گیری در مورد برجام بدون در نظر گرفتن پس‌زمینه‌های سیاسی او بسیار سخت است. در طول مبارزات انتخاباتی ۲۰۱۶ ترامپ بارها توافق با ایران را یکی از بدترین معامله‌ها لقب داد. همچنین یکی از مهم‌ترین اولویت‌های دولت ترامپ رها شدن از تعهدات و برنامه‌های دولت قبل بود. مخالفت با طرح سلامت و بهداشت دولت اوباما و همچنین خارج شدن از توافق‌نامه آب و هوا پاریس از جمله این اقدامات بود. بنابراین توافق هسته‌ای با ایران نیز کاملاً در ذیل این موضوع قرار دارد. جایگزینی رکس تیلرسون^۲ به عنوان وزیر خارجه و اچ. آر مک‌مستر^۳ به عنوان مشاور امنیت ملی با افرادی مانند مایک پومپئو و جان بولتون^۴ نیز به تسریع این اقدام دامن زد. پومپئو و بولتون از جمله مخالفان ایران بودند که سابقه طولانی در مخالفت با هرگونه توافق با ایران داشتند. در واقع ترامپ به وسیله افراد بله قربان‌گویی احاطه شده بود که بر روند تصمیم‌گیری او اثر می‌گذاشتند (Beauchamp, ۲۰۱۸). دیوید سنگر^۵ و دیوید کیرک پاتریک^۶ نیز استدلال می‌کنند که برای ترامپ و متحدان آن - صهیونیستی و عربستان سعودی (که ترامپ برای آن‌ها ارزش بسیاری قائل بود) مشکل عمده در مورد ایران صرفاً توافق هسته‌ای نبود. بلکه وجود و تداوم این توافق‌نامه به منزله مشروع‌سازی دولت ایران، بازنگری در وضعیت آن در اقتصاد جهانی از طریق درآمدهای نفتی و همچنین نقش ایران در سوریه و عراق بود. ترامپ و متحدان غرب آسیای وی

^۱ Zack Beauchamp

^۲ Rex W. Tillerson

^۳ H. R. McMaster

^۴ John Bolton

^۵ David E. Sanger

^۶ David D. Kirkpatrick

عقیده داشتند که می‌توانند شاهراه اقتصادی ایران را قطع کند و در نهایت ایران را شکست بدهند (Sanger and Kirkpatrick, ۲۰۱۸).

علیرغم اینکه دو رویکرد فوق داده‌های قابل توجهی را مورد انگیزه‌های پشت پرده در تصمیم ترامپ برای خروج از توافق هسته‌ای با ایران را نشان می‌دهند، دو نکته در این ارتباط حائز اهمیت است. اول، دو رویکرد فوق نشان‌دهنده تسلط سطح تحلیل‌های دولت محور و نظام محور بر تحلیل داده‌ها است. به طوری که استدلال بیوجامپ بر نقش دولت ترامپ و تیم سیاست خارجی اهمیت قائل می‌شود. استدلال سنگر و کیرک پاتریک نیز با ترسیم همکاری ترامپ با متحدان خود در عرصه بین‌المللی به نوعی سامان‌یابی در عرصه بین‌المللی استناد می‌کنند. در واقع آنها با اشاره به رقابت منطقه‌ای و جهانی در غرب آسیا بحث هسته‌ای ایران را به امنیت جهانی پیوند می‌زنند. نکته دوم که با موضوع اولی نیز ارتباط دارد مورد غفلت قرار گرفتن فرد به عنوان تصمیم‌گیرنده و یا به عبارت بهتر سطح تحلیل فردی است. به نظر می‌رسد بررسی ویژگی‌های شخصیتی ترامپ، جهان‌بینی و درک محیط فکری وی بتواند به درک تصمیم وی در مورد خروج از توافق هسته‌ای با ایران کمک کند. با این رویکرد بخش بعدی مقاله به مطالعه ویژگی‌های شخصیتی ترامپ و عوامل موثر بر شکل‌گیری محیط فکری و تصمیم وی برای خروج از برجام می‌پردازد.

۳-۱-۱. ویژگی‌های شخصیتی دونالد ترامپ

ریشه‌های عمیق خانوادگی ترامپ در آلمان به باقی‌مانده‌های جنگ در قرن هفدهم باز می‌گردد. در آن زمان نام خانوادگی آنها درامف^۱ بود. در سال ۱۹۴۸ آنها نام خانوادگی خود را ساده کردند تا نام تجاری قدرتمندی برای نوادگان آنها در سال‌های بعد باشد. به عنوان یک فعل ترامپ به معنی «توصیه به شیوه‌ای بی‌پروا»، «جعل کردن»، «ساخت یا ابداع چیزی» است (Johnston, ۲۰۱۶: ۱۱). فردریک ترامپ، پدر بزرگ ترامپ در سال ۱۸۸۵ زمانی که فقط شانزده سال داشت از آلمان به نیویورک سیتی آمد. زمانی که او به شرق منهن^۲ رسید

^۱ Drumpf

^۲ Manhattan

به کار آرایشگری مشغول و بعد از شش سال اقامت در آنجا به سیاتل^۱ مهاجرت کرد. یک دهه بعد فردریک ترامپ اقدام به ساخت هتل و رستوران کرد. فرد ترامپ پدر دونالد ترامپ نیز در زمینه ساخت و ساز و تجارت فعالیت می کرد (Brody and Lamb, ۲۰۱۷: ۱۷).

دونالد ترامپ در کتاب «هنر معامله» خانواده خود را این گونه توصیف می کند «ما یک خانواده بسیار سستی داشتیم. پدرم مقتدر و نان آور بود، و مادر من یک خانم خانه دار کامل بود. ما در یک خانه بزرگ زندگی می کردیم، اما هرگز خودمان را به عنوان بچه های پول دار تصور نمی کردیم. ما با این ایده بزرگ می شدیم که ارزش دلار و اهمیت سخت کار کردن را بدانیم. اعضای خانواده من ارتباط نزدیکی با هم داشتند و تا به امروز آنها بهترین دوستان من هستند» (Gingrich, ۲۰۱۷: ۱۸). دونالد ترامپ متولد ۱۴ ژوئن ۱۹۴۶ در کوئینز نیویورک است. وی از همان کودکی بسیار تحت تاثیر کارکردن پدرش بود. اما از یک دید متفاوت و به همان اندازه مهم، ترامپ هرچقدر رشد می کرد تحت تاثیر نفوذ مادرش بود. او در یک مصاحبه رادیویی اظهار داشت که مادرش بسیار مذهبی بود. او همچنین بیان داشت که وقتی به گذشته نگاه می کنم، به این نتیجه می رسم که بسیاری از حس های خودم از جمله حس نمایش گری را از مادرم به ارث بردم (Shapiro, ۲۰۱۶: ۲۱).

بنابراین با توجه به این سابقه خانوادگی و علاقه ترامپ به شغل پدرش، اولین ویژگی که در مورد دونالد ترامپ می توان به آن اشاره کرد علاقه او به تجارت و روحیه معامله گری است. خود دونالد ترامپ در کتاب «هنر معامله» اشاره می کند «من معامله را برای به دست آوردن پول انجام نمی دهم. من همیشه بیشتر از آن چیزی که نیاز داشتم به دست آورده ام. معاملات، فرم های هنری من هستند. دیگران به خوبی بر روی بوم نقاشی می کنند، یا به زیبایی شعر می سرایند؛ اما من دوست دارم معامله کنم، آن هم معامله های بزرگ (Trump and Schwartz, ۱۹۸۷: ۱). اسکات تیلور^۲ در مورد روحیه معامله گری ترامپ می نویسد «حقایق بی قید و شرطی در مورد ترامپ وجود دارد. ترامپ عمدتاً داد و ستد

¹ Seattle

² Scott Taylor

خود را در املاک و مستغلات انجام می‌دهد، او زمین خرید و فروش می‌کند، کمیسیون ساختمان می‌گیرد، آنها را اجاره یا به فروش می‌رساند. این معاملات هسته مرکزی ثروت ترامپ را تشکیل می‌دادند و بنیانی برای توانایی او در صرف پول برای حمایت از حزب سیاسی متبوع خود و ورود به رقابت انتخاباتی ریاست جمهوری بود» (Taylor, ۲۰۱۸). مک‌آدامز^۱ نیز می‌نویسد، «از دهه ۱۹۸۰ به بعد مجموعه از موفقیت‌ها در زمینه املاک و مستغلات در بازار مسکن منتهن از جمله ساخت برج ترامپ باعث شهرت ترامپ شد». دستاوردهای اولیه وی، همراه با ثروت روبه رشد و زندگی تجملاتی باعث توجه رسانه‌ها و افکار عمومی به ترامپ در آن زمان شد (McAdams, ۲۰۱۷: ۲).

دومین ویژگی که می‌توان در مورد ترامپ به آن اشاره کرد، جاه‌طلبی ترامپ است. افراد جاه‌طلب، جسور، رقابتی بوده و از خود بسیار مطمئن هستند. آنها به راحتی نقش رهبری را به عهده می‌گیرند، انتظار دارند که دیگران ویژگی‌های خاص آنها را تشخیص و اغلب به عنوان قیم دیگران عمل می‌کنند (Immelman, ۲۰۱۷: ۲). ترامپ بسیار جاه‌طلب بود و روحیه رقابتی داشت و می‌خواست همیشه برنده باشد. او همیشه ترجیح می‌داد عهده‌دار کاری باشد و حتی گرایش به رقابت با کسانی را داشت که به‌طور بالقوه در تیم او بودند (Sherman, ۲۰۱۵). این ویژگی جاه‌طلبی او تاثیر بسزایی در نگرش وی به سیاست خارجی داشت. به عنوان مثال ترامپ در مصاحبه با کانال فاکس نیوز در مورد کمبود نیروی انسانی در وزارت خارجه عنوان داشت که «بگذارید به شما بگویم، آن چیزی که مهم است من هستم. تنها چیزی که موضوعیت دارد نقش من است. زیرا سیاست‌ها از طریق تصمیم من به مرحله اجرا در می‌آیند» (Drezner, ۲۰۱۷). این جاه‌طلبی باعث شده بود که ترامپ حتی عملکرد بسیاری از روسای جمهور در دوره‌های گذشته را نیز مورد انتقاد قرار دهد. به نظر ترامپ رهبران ایالات متحده از جمله کلینتون، بوش و اواما نتوانسته بودند چشم‌انداز جدیدی برای روابط بین‌المللی ایالات متحده آمریکا تعریف کنند (Edwards, ۲۰۱۸: ۱۴۲).

^۱ McAdams

ویژگی سوم ترامپ عمل‌گرایی او بود. از یک دید، عمل‌گرا کسی است که تمام تلاش آن رسیدن به اهداف است. یک فردا عمل‌گرا معمولاً رویکرد مستقیم و مستقل دارد و تا حد زیادی اجازه نمی‌دهد که احساسات بر او تاثیر بگذارد. در این ارتباط گینگریچ^۱ استدلال می‌کند که ترامپ یک عمل‌گرا بود، نه یک ایدئولوگ. او فردی بود که هر روز از خواب بلند می‌شد، می‌خواست بداند که واقعا چه اتفاقی در حال وقوع است. ترامپ تمایل به این داشت که تئوری‌ها انتزاعی را کنار گذاشته و به این موضوع پی ببرد که چه چیزی واقعا جهان را تشکیل می‌دهد. به عنوان یک تاجر ترامپ بر روی انرژی و توان خود تمرکز داشت و از روش‌های غیرمتعارف برای دستیابی به اهداف خود استفاده می‌کرد. برای مثال در راهبرد انتخاباتی، یک کاندیدای عادی برای شرکت در انتخابات معمولاً تعدادی مشاور ماهر استخدام می‌کند، پول جمع‌آوری و تلاش می‌کند بر روی گروه‌ها و رای دهندگان نظارت کند، با این وجود ترامپ این کار را انجام نداد و بیشتر بر روی غرایز و استعدادهای خود تکیه داشت» (Gingrich, ۲۰۱۷: ۲۳-۲۴).

چهارمین و یکی از رایج‌ترین ویژگی‌هایی که در طول دوران انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ و بعد از آن به دونالد ترامپ نسبت داده شده بود، «پوپولیست» بودن وی بود (۳: ۲۰۱۷, Winberg). پوپولیسم مجموعه‌ای از ایده‌ها در مورد روابط متضاد بین دو ساختار همگن؛ مردم (خوب) و نخبگان (شرور) است. پوپولیسم را می‌توان ایدئولوژی کم‌توانی در نظر گرفت که برای تقویت خود نیاز به ترکیب شدن با یک ایدئولوژی دیگر دارد. در کل به نظر پوپولیست‌ها، سیاست باید بیان اراده مردم باشد (بدون مشخص کردن اینکه این اراده واقعا شامل چه چیزی است). به همین دلیل پوپولیسم نیاز یک قلب و ذهن خالی دارد و مسیرهای درست عمدتاً به وسیله رهبر حقیقی انتخاب می‌شود. در نتیجه، پوپولیسم اغلب با «رهبری کاریزماتیک» همراه است و به روشی بسیار متمرکز سازماندهی می‌شود که در آن مخالفت‌ها عمدتاً از روی تعصب است

¹ Newt Gingrich

(۳: ۲۰۱۸, Jacobs and Spieringsb). کارلوس دلاتوره^۱ عقیده دارد «دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحد در سال ۲۰۱۶ با استفاده از سخنان و راهبردهای پوپولیستی پیروز شد» (۱: ۲۰۱۷, De la Torre). پوپولیسم ترامپ بیشتر شبیه به پوپولیسم دست راستی بود. پوپولیسم دست راستی در دهه ۱۹۴۰ و در واکنش به پوپولیسم دست چپی اتحادیه‌های کارگری، سوسیالیست‌ها و فرانکلین روزولت شکل گرفت (۳: ۲۰۱۷, Winberg). دناوان^۲ و ردلاوسک^۳ با مقایسه پوپولیسم ترامپ با پوپولیسم دست راستی در استرالیا کانادا و نیوزلند ویژگی‌های پوپولیسم ترامپ را در مواردی مانند خشونت نژادی، احساسات ضد مهاجرت و نگرانی در مورد تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خلاصه می‌کنند (۱۹۰: ۲۰۱۸, Donovan and Redlawsk).

با در نظر گرفتن این ویژگی‌های شخصیتی و مفروضه‌های تئوری شناختی به عنوان استدلال اول می‌توان گفت، وجود این ویژگی‌های شخصیتی چهارگانه (معامله‌گری، جاه-طلبی، عمل‌گرایی و پوپولیست بودن) در دونالد ترامپ باعث شده بود که توافق با ایران در قالب برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) از سوی دولت اوباما برای دونالد ترامپ صرفاً یک معامله باشد. این درک ترامپ از برجام مطابق با درک شناختی بود که در حالت کلی وی از رابطه با ایران (باتوجه به دشمنی قبلی) و به‌طور خاص برجام (به عنوان یک معامله بد) داشت. براساس مفروضات تئوری شناختی افراد به منظور تجربه و مقابله با واقعیت‌های پیچیده و گیج‌کننده محیط، باید اعتقادات ساده و ساختار یافته‌ای را در مورد ماهیت پیرامون خود و پدیده‌ای که با آن سروکار دارند به وجود بیاورند. از این دید ساختار فکری دونالد ترامپ در مورد توافق هسته‌ای با ایران بسیار متأثر از سابقه وی در حوزه تجارت از جمله روحیه معامله‌گری و جاه‌طلبی بود.

یک نگاه اجمالی به سخنرانی ترامپ در ۸ می ۲۰۱۸ در مورد خروج از برجام و اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران این موضوع را تا حد زیادی نشان می‌دهد. وی در این

¹ Carlos de la Torre

² Todd Donovan

³ David Redlawsk

سخنرانی اعلام کرد که، «در سال ۲۰۱۵ دولت قبلی ایالات متحده آمریکا همراه با سایرکشورها به معامله با ایران درمورد برنامه هسته‌ای این کشور وارد شد. این اقدام قرار بود ایالات متحده آمریکا و متحدان آن را از بمب‌های هسته‌ای ایران نجات دهد. با این وجود هنوز هم ایران به تهدیدات خود ادامه می‌دهد. در واقع این یک توافق وحشتناک و یکجانبه بود که هرگز و هرگز نباید انجام می‌شد. این توافق آرامش و صلح را به ارمغان نیاورد و در آینده نیز به همراه نخواهد آورد» (New York Times, ۲۰۱۸). این در حالی است که به اعتقاد برخی از کارشناسان آمریکایی «توافق با ایران جامع‌ترین توافق‌نامه‌ای بود که می‌توانست در مورد عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای به دست آید». این توافق‌نامه در بطن خود شفاف‌ترین و مورد وثوق‌ترین مکانیسم‌ها را در تاریخ «ان.پی.تی»^۱ داشت. همچنین بالاترین سطح تعهدات را در داخل «ان.پی.تی» به همراه داشت (۱۶):

(Mousavian and Mousavian, ۲۰۱۸).

دو ویژگی دیگر یعنی عمل‌گرایی و پوپولیستی بودن ترامپ نیز در تصمیم او مبنی بر خروج از توافق هسته‌ای با ایران دخیل بود. ترامپ قبل از خارج شدن از توافق هسته‌ای با ایران از مشارکت ترنس- پاسفیک^۲ و توافق‌نامه آب و هوای پاریس نیز خارج شده بود. این اقدام‌ها در واقع بخشی از وعده‌هایی بود که او در جریان انتخابات و در قالب «خلاص شدن از معامله‌های بد» وعده داده بود (Anam Khan, ۲۰۱۸). ترامپ در طول مبارزات انتخاباتی و در سخنرانی خود در کمیته امور عمومی صهیونیستی - آمریکا^۳ تمایل خود برای لغو توافق هسته‌ای با ایران را آشکارا بیان کرده بود. وی در این سخنرانی عنوان داشت «من مدت زیادی درتجارت بوده‌ام. من معامله را به خوبی بلدم، اجازه دهید به شما بگویم، این معامله برای آمریکا، اسرائیل^۴ [رژیم صهیونیستی] و برای کل [غرب آسیا] خاورمیانه

^۱ Treaty on the Non-Proliferation of nuclear weapons (NPT)

^۲ Trans-Pacific Partnership

^۳ The American Israel Public Affairs Committee.

^۴ ادبیات رسمی جمهوری اسلامی ایران اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد ولی به جهت رعایت امانت در گفتار

فاجعه بار است» (Begley, ۲۰۱۶). در میان ۲۸۲ وعده انتخاباتی، به رسمیت شناختن بیت-المقدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی و خروج از توافق هسته‌ای با ایران جزء مهم-ترین وعده‌هایی بودند که ترامپ به آن‌ها جامه عمل پوشاند. این بدین جهت بود که ترامپ نشان دهد وقتی او قول می‌دهد به آن عمل می‌کند (Cherkaoui, ۲۰۱۸).

۳-۱-۲. درک شناختی ترامپ و تلاش برای جذب افراد هم‌رای

ویژگی‌های شخصیتی چهارگانه‌ای که در بالا به آنها اشاره شد باعث گردید ترامپ به نوعی درک از توافق با ایران برسد که وی آن را «معامله بد» می‌نامید و بنابراین تلاش داشت از توافق صورت گرفته خارج شود. در همین راستا، از زمان به دست‌گیری قدرت سعی داشت برای ساده‌سازی در زمینه تصمیم‌گیری برای خروج از برجام افرادی را در تیم سیاست خارجی خود قرار دهد که با وی هم‌نظر باشند. به عنوان مثال، پس از به قدرت رسیدن ترامپ افرادی مانند رکس تیلرسون به عنوان وزیر خارجه و اچ آر. مک مستر^۱ به عنوان مشاور امنیت ملی از سوی ترامپ عهده‌دار مسئولیت شدند. با این وجود به دلیل اختلافانی که بین این افراد و رئیس‌جمهور وجود داشت آن‌ها مجبور به ترک کابینه دولت شدند. رکس تیلرسون بیشترین اختلاف را با دونالد ترامپ در موضوعات سیاست خارجی داشت. برخلاف ترامپ که عقیده داشت او و تیلرسون در موضوعات کلیدی سیاست خارجی مانند هم فکر نمی‌کنند، مخالفت تیلرسون با اقدامات ترامپ از جمله لغو توافق هسته‌ای با ایران، خارج شدن از توافق‌نامه آب و هوی پاریس و مخالفت با انتقال سفارت آمریکا از سرزمین رژیم صهیونیستی به بیت‌المقدس از جمله دلایل برکناری وزیر خارجه بود (Washingtonpost, ۲۰۱۸).

مک مستر نیز همواره رابطه کج‌دار و مریزی با ترامپ داشت. با این وجود، اختلافات بعدی او با افرادی مانند جان کلی^۲ و جیمس ماتیس^۳ به عنوان وزیر دفاع آمریکا بر شدت این وخامت افزود (Perry, ۲۰۱۸). اقدامات مک مستر از جمله مطرح کردن بحث دخالت

¹ H. R. McMaster

² John F. Kelly

³ James N. Mattis

روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا و تلاش برای اعزام نیروی بیشتر به افغانستان نیز در تصمیم ترامپ مبنی بر جایگزینی مشاور امنیت ملی خود موثر بود. مک مستر در یک جمع در آلمان اظهار کرده بود که شواهد اجتناب ناپذیری وجود دارد که روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا دخالت داشته است. ترامپ در جواب مک مستر بیان داشت «وی فراموش کرده است بگوید که نتایج انتخابات آمریکا به هیچ وجه تحت تاثیر دخالت روسیه نبوده و نتایج آن هیچ تغییری نداشت، بلکه تنها تباری بین روسیه برخی گروه‌های داخلی از جمله کمیته ملی دموکراتیک بود. ترامپ در مورد درخواست مک مستر برای اعزام نیروی بیشتر به افغانستان نیز گفته بود که مک مستر می‌خواهد نیروی بیشتری به افغانستان بفرستد، خیلی خوب، ما خود او را می‌فرستیم (BBC, ۲۰۱۸).

وجود این اختلافات باعث شد که ترامپ، رکس تیلسون را با مایک پامپئو به عنوان وزیر خارجه و مک مستر را با جان بولتون به عنوان مشاور امنیت ملی جایگزین کند. «مانند خود ترامپ، پامپئو و بولتون از پیشگامان ستیزه‌جویی بودند، در حالیکه مک مستر و تیلسون به‌طور کلی واقع‌گرایان میانه‌رو بودند. در مورد بولتون؛ ترامپ فردی را منصوب کرد که خلق و خوی بی‌پروا و انفجاری داشت. پمپئو نیز به نوبه خود یک ایدئولوگ وفادار به ترامپ بود (۲: ۲۰۱۸، IISS). ویژگی بارزی که در مورد جان بولتون وجود داشت این بود که وی فرد بسیار پوپولیستی بود (۴۶۰: ۲۰۰۵، Mansell and Haslam). توماس رایت^۱ در مورد جان بولتون می‌نویسد، شاخص‌ها و ملاک‌های بولتون در مورد قضاوت سایر کشورها بسیار متاثر از جایگاه کشورهای مذکور در زمینه کمک‌های بین‌المللی، سازمان‌های بین‌المللی و همچنین قوانین و مقررات بین‌المللی بود. اگر این کشورها اعتقاد داشتند که این ابزارها باید آزادی عمل دولت ایالات متحده آمریکا را محدود کنند؛ تبدیل به بخشی از مشکل می‌شدند. موضع بولتون در مورد ایران و کره شمالی بسیار متاثر از این نگرش بود (Wright, ۲۰۱۸).

¹ Thomas Wright

نکته حائز اهمیت در مورد پمپئو این بود که او بسیار طرفدار رژیم صهیونیستی و ضد ایرانی است. در مورد مناطقی مانند غرب آسیا نگرش نظامی و امنیتی داشته و متمایل به گسترش نظارت، جمع‌آوری اطلاعات و اقدام شدید علیه تهدیدات درک شده بود. علاوه بر این پمپئو روحیه تهاجمی داشت و بسیاری از نگرش‌های منفی ترامپ در مورد مسلمانان و منطقه غرب آسیا را نیز با وی به اشتراک می‌گذاشت. این ویژگی‌ها باعث شده بود که بسیاری از سناتورهای دموکرات از او به عنوان فرد بله قربان‌گو یاد کرده و عقیده داشتند که انتخاب او موجب تخریب وجهه وزارت خارجه شده است. ویژگی مشترک بولتون و پمپئو در مورد برنامه هسته‌ای ایران این بود که آن‌ها قویا مخالف هرگونه توافق هسته‌ای با ایران بودند. در حقیقت، بولتون حتی از اقدامات پیشگیرانه در مورد ایران حمایت می‌کرد. تغییر رژیم در ایران و کره شمالی نیز در این مورد؛ دلخواه بولتون بود (۳: ۲۰۱۸، IISS). جان بولتون بعد از توافق هسته‌ای دولت اوباما با ایران همواره یکی از منتقدین آن بود و حتی قبل از قبول مسئولیت مشاوره امنیت ملی نیز عقیده داشت که دولت ترامپ هر چه سریع‌تر باید از توافق با ایران خارج شود. وی عقیده داشت «خروج از برجام باید اولویت دولت باشد. حتی در صورت پیروی کامل ایران از تعهدات در برجام، ایران همچنان برای منافع ملی آمریکا مضر است. ترامپ باید خروج از برجام را باید به عنوان بالاترین اولویت سیاست خارجی دولت جدید آمریکا در نظر بگیرد. مواضع بولتون به این موارد محدود نشده و از تغییر رژیم در ایران حمایت می‌کرد. وی در یکی از سخنرانی‌های خود عنوان کرده بود «واقعیت این است که رژیم ایران مساله اصلی در [غرب آسیا] خاورمیانه است» (Bolton, ۲۰۱۷).

در این باب که چگونه افرادی مانند بولتون و پمپئو توانستند بر نگرش ترامپ در موضوعات سیاست خارجی از جمله توافق هسته‌ای تاثیر بگذارند، باید عنوان کرد که مقامات پیرامون دونالد ترامپ به جای این که به او در مورد اقدامات بی‌پروا مانند لغو توافق هسته‌ای با ایران هشدار دهند و ترامپ را از این کار منصرف کنند، وی را تشویق

می‌کردند با جدیت در این مسیر گام بردارد. پائول پیلار^۱، استاد دانشگاه مرکز مطالعات امنیتی دانشگاه جورج تاون و تحلیلگر مسائل غرب آسیا در این مورد استدلال می‌کند ترامپ، عمدتاً به وسیله آخرین شخصی که با او صحبت می‌کرد، دچار نوسان فکری می‌شد. به‌ویژه بولتون در موقعیتی قرار داشت که آخرین شخص در بیشتر مسائل امنیتی ملی بود. به احتمال زیاد انتصاب او به عنوان مشاور امنیت ملی و موضع‌گیری وی علیه برنامه هسته‌ای ایران تاثیر قابل توجهی در تصمیم‌گیری ترامپ داشت. پمپئو نیز یکی از جدی‌ترین مخالفان برجام بود. برای او و سایر مخالفان توافق با ایران، صحبت در مورد اصلاح یا تغییر در توافق‌نامه عمدتاً ابزاری برای خلاص شدن از شر آن بود (Dreyfuss, ۲۰۱۸).

بنابراین می‌توان اظهار داشت که با توجه ویژگی‌های شخصیتی و افراد هم‌رایی که حلقه فکری سیاست خارجی او را تشکیل می‌دادند تصمیم ترامپ در مورد خروج از توافق هسته‌ای با ایران را تا حدی ناشی از درک شناختی مشترک بین وی و افرادی مانند بولتون و مایک پمپئو دانست. همان‌گونه که در بحث چارچوب نظری مطرح شد تئوری شناختی عنوان می‌کند که بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها در عرصه سیاست خارجی بدون در نظر گرفتن فرایند شناختی فکری افرادی که اقدام به تصمیم‌گیری می‌کنند قابل درک نیستند. اگر چه ساختار محیط بین‌المللی و ویژگی‌های منافع ملی که در نوع و چگونگی تصمیم‌گیری سیاست خارجی تاثیر قابل توجهی دارند، با این وجود فرایندهای فکری تصمیم‌گیرندگان همواره در امر تصمیم‌گیری دخیل بوده و تغییر در تفکر و نگرش آن‌ها منجر به تغییر در نتایج تصمیم‌گیری سیاست خارجی می‌شود (Bonham et al, ۱۹۷۶: ۱۵۷).

این مفروض تئوری شناختی انطباق زیادی با نوع نگرش تیم سیاست خارجی ترامپ به توفیق هسته‌ای با ایران دارد. دونالد ترامپ قبل و بعد از قدرت‌یابی مخالف توافق با ایران بود و از طریق انتصاب افرادی مانند تیلرسون و مک مستر تلاش داشت روند سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا نسبت به ایران را تغییر دهد. میانه‌روی و مخالفت آنها با نوع

¹ Paul R. Pillar

تفکر ترامپ نسبت به موضوعات سیاست خارجی باعث گردید که آن‌ها با افرادی مانند جان بولتون و مایک پمپئو جایگزین شوند که از لحاظ شیوه تفکر و جهان‌بینی شباهت‌های بسیار زیادی با دونالد ترامپ داشتند. همپوشانی فکری بسیار بالای تیم سیاست خارجی دولت ترامپ در مورد توافق هسته‌ای با ایران باعث گردید که ترامپ در عزم خود برای خروج از این توافق مصمم شود (High, ۲۰۰۹: ۴۷۷). به دلیل روحیه نظامی‌گری و حمایت از ایده‌هایی مانند تغییر رژیم، خاستگاه و ریشه‌های فکری افرادی مانند جان بولتون و مایک پمپئو تا حدی به نومحافظه‌کاران نسبت داده می‌شود.

نومحافظه‌کاری به عنوان یک ایدئولوژی یا عقیده در اواخر دهه ۱۹۶۰ و بعد از ناآرامی‌های فرهنگی و شورش‌های دانشگاهی در ایالات متحده آمریکا به وجود آمد. بولتون یکی از چهره‌های اصلی جریان نومحافظه‌کاری بود که عقیده داشت ایالات متحده آمریکا با استفاده از ابزارهای مختلف، به ویژه ابزارهای نظامی باید برتری خود را در جهان حفظ کند (Ezrow, ۲۰۱۸). مهم‌ترین اصولی که بولتون به عنوان نومحافظه‌کاری در سیاست خارجی به آن اعتقاد داشت عبارت بودند از:

- نظامی‌گری؛ افزایش هزینه‌های نظامی در جهت تقویت نیروهای نظامی متعارف و مخالفت با هرگونه توافق در زمینه خلع سلاح هسته‌ای یا محدودیت‌های تسلیحاتی.
- یکجانبه‌گرایی آمریکا؛ ایالات متحده باید به جای همکاری‌های چندجانبه و تلاش برای ورود به نهادهای بین‌المللی باید به دنبال یکجانبه‌گرایی باشد.
- مداخله نظامی و دموکراسی‌سازی؛ توجیه پیاده‌سازی دموکراسی از طریق مداخله نظامی و اصل تغییر رژیم از طریق مداخله نظامی.

- هژمونی و مستثنی بودن آمریکا؛ هژمونی ایالات متحده آمریکا تنها وسیله دفاعی قابل اعتماد برای حفظ صلح و نظم بین‌المللی است. بنابراین هدف اصلی سیاست خارجی آمریکا باید حفظ هژمونی تا حد امکان در آینده باشد (Spence, ۲۰۱۶: ۱۰۳-۱۰۷).

علاوه بر این، در مورد تصمیم‌گیری درباره برجام پیوندهای ایدئولوژیکی و نهادی عمیقی بین نومحافظه‌کاران مستقر در کاخ سفید و احزاب مختلف در صهیونیستی وجود داشت.

این حلقه فکری که متشکل از افراد بانفوذ، ایده‌پردازان نومحافظه‌کار و فعالین احزاب و سازمان‌های لابی‌گری صهیونیستی بودند. علیرغم وجود اختلاف‌ها، آن‌ها در یک چیز اجماع داشتند و آن هم عبارت بود از نابود کردن دولت در ایران و یا در نهایت سازگار کردن رفتارهای ایران مطابق با منافع ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا و فراسوی آن. از جمله لینک‌های ارتباطی بین گروه‌های فکری و سازمان‌های لابی‌گری رژیم صهیونیستی و نومحافظه‌کاران می‌توان به ائتلاف برای دموکراسی در ایران^۱ اشاره کرد که در سال ۲۰۰۲ به وسیله میشل لییدن^۲ و موریس آمیتای^۳ از مدیران کمیته آمریکایی امور عمومی صهیونیستی^۴ تاسیس شده بود. هدف این سازمان حمایت از تغییر رژیم در ایران است (Adib-Moghaddam, ۲۰۰۷: ۶۳۷-۶۳۹).

۴. نتیجه‌گیری

به‌عنوان یک نتیجه‌گیری این پژوهش استدلال داشت در ادبیات مربوط به روابط بین‌الملل سطح تحلیل فردی تا حد زیادی تحت تاثیر سطوح ساختار بین‌المللی و بازیگری دولت‌ها قرار گرفته است. این در حالی است که به نظر می‌رسد این سطح تحلیل می‌تواند جزئیات بیشتری را از پدیده‌های روابط بین‌المللی بازگو کند. متاثر از همین نگرش این پژوهش با اتخاذ سطح تحلیل فردی و تاکید بر تئوری شناختی به عنوان رویکردی جدید در مطالعات سیاسی به دنبال پاسخ به این سوال بود که چه ویژگی‌هایی در شخصیت دونالد ترامپ وجود داشت که باعث گردید وی تصمیم به خروج از برجام بگیرد؟ این پژوهش ضمن مد نظر قراردادن ساختار بین‌المللی و نقش‌آفرینی دولت‌ها استدلال کرد ویژگی‌های شخصیتی دونالد ترامپ به عنوان کارگزار فردی یکی از عوامل موثر در تصمیم‌گیری وی برای خروج از برجام بود. با بررسی منابع و داده‌های موجود از جمله سابقه خانوادگی،

¹ The Coalition for Democracy in Iran (CDI)

² Michael Ledeen

³ Morris Amitay

⁴ American Israel Public Affairs Committee (AIPAC)

تجارت و کسب و کار، قدرت‌یابی، چهار ویژگی مهم دونالد ترامپ در این پژوهش برجسته شد که عبارت بودند از؛

روحیه معامله‌گری - جاه‌طلبی - واقع‌گرایی - پوپولیست بودن

براین اساس استدلال گردید که متاثر از همین ویژگی‌ها توافق هسته‌ای با ایران در قالب برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) برای دونالد ترامپ بیش از آنکه یک توافق و یا تعهد بین‌المللی باشد یک معامله بود که به زعم او، یکی از بدترین معامله‌هایی بود که ایالات متحده آمریکا در طول تاریخ خود انجام داده بود. متاثر از همین ویژگی‌ها دونالد ترامپ برای جامع عمل پوشاندن به وعده‌های انتخاباتی خود اقدام به خروج از توافق کرد. دونالد ترامپ برای توجیه اقدام خود و همچنین ساده‌سازی تصمیم‌گیری در مورد توافق هسته‌ای با ایران تلاش کرد افرادی را وارد تیم سیاست خارجی خود کند که با وی هم‌رای بوده و جهان بینی مشترکی با دونالد ترامپ داشتند. به عنوان مثال بعد از روی کار آمدن ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور رکس تیلرسون و مک مستر به عنوان وزیر خارجه و مشاور امنیت ملی آمریکا انتخاب شدند، با این وجود میانه‌روی و عدم موافقت آن‌ها با خروج آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران باعث شد این افراد با مایک پمپئو و جان بولتون که همپوشانی‌های فکری و شخصیتی زیادی با ترامپ داشتند روی کار بیایند. مهم‌ترین ویژگی مشترک پمپئو و بولتون مخالفت شدید آن‌ها با هرگونه توافق هسته‌ای با ایران و حتی اقدامات رادیکال‌تر در مورد ایران از جمله طرح و پیاده‌سازی تغییر رژیم بود.

فهرست منابع و مآخذ

منابع انگلیسی

- Ahmadian, H. (2018). "Iran and Saudi Arabia in the Age of Trump". *Survival*, Vol.60, No. (2), 133-150.
- Adib-Moghaddam, A. (2007). "Manufacturing war: Iran in the neo-conservative imagination", *Third World Quarterly*, Vol.28, No. (3), 635-653.

- Brody.D. Lamb.S. (2017). "***The faith of Donald trump a spiritual biography***", New York, HarperCollins.
- Bonham, G. M.; Shapiro, M. J.; Nozicka, G. J. (1976). A Cognitive Process Model of Foreign Policy Decision-Making. ***Simulation & Gaming***, 7(2), 123-152.
- De la Torre, C. (2017). Trump's populism: lessons from Latin America, ***Postcolonial Studies***, Vol.20, No. (2),187-198.
- Donovan, T., & Redlawsk, D. (2018). "Donald Trump and right-wing populists in comparative perspective". ***Journal of Elections, Public Opinion and Parties***, Vol. 28, No. (2),190-207.
- Edwards, J. A. (2018). Make America great again: Donald Trump and redefining the US role in the world. ***Communication Quarterly***, 66(2), 176-195.
- Gingrich. N. (2017). "***Understanding trump***", New York, Hachette Book Group
- Holsti, O. R. (1976). "Cognitive process approaches to decision-making: Foreign policy actors viewed psychologically". ***American Behavioral Scientist***, Vol. 20, No. (1), 11-32.
- High, B. (2009),"The recent historiography of American neo-conservatism", ***The Historical Journal***, Vol. 52, No. (2), 475-491.
- Hudson, V. M. (2005). "Foreign policy analysis: actor-specific theory and the ground of international relations". ***Foreign policy analysis***, Vol. 1, No. (1), 1-30.
- Hussain, N., & Shakoor, F. (2005). "The Role of Leadership in Foreign Policy: A Case Study of Russia under Vladimir Putin", ***Islamabad policy research institute journal***, Vol.1, No. (1), 1-30.
- IISS. (2018). "Trump's dangerous new foreign-policy team", International Institute for Strategic Studies, ***Strategic Comments***, Vol. 24, No.3, 1-4.
- Immelman, A. (2017). The leadership style of U.S. president Donald J. Trump, College of Saint Benedict, Saint John's University, (Working Paper No. 1.1).
- Johnston, D. C. (2016). "***The Making of Donald Trump***". Melville House.
- Jacobs, K., & Spierings, N. (2019). A populist paradise? Examining populists' Twitter adoption and use. ***Information, Communication & Society***, 22(12), 1681-1696.
- Khodadadi, M. (2018). Donald Trump, US foreign policy and potential impacts on Iran's tourism industry: post-nuclear deal. ***Tourism management perspectives***, Vol. 26, 28-30.
- Mansell, W., & Haslam, E. (2005). John Bolton and the United States' retreat from international law. ***Social & Legal Studies***, Vol. 14, No. (4), 459-485.

- McAdams, D. P. (2017). The Appeal of the Primal Leader: Human Evolution and Donald J. Trump. *Evolutionary Studies in Imaginative Culture*, Vol. 1, No. (2). 1-13.
- Mintz, A., & DeRouen Jr, K. (2010). "Understanding foreign policy decision making". Cambridge University Press.
- Mousavian, S. H., & Mousavian, M. M. (2018). Building on the Iran Nuclear Deal for International Peace and Security. *Journal for Peace and Nuclear Disarmament*, Vol.1, NO.1,1-24.
- Rapport, A. M. (2017). "*Cognitive Approaches to Foreign Policy Analysis Oxford Research Encyclopedia of Politics*", Oxford University Press.
- Rosati, J. A. (2000). "The power of human cognition in the study of world politics". *International Studies Review*, Vol. 2, No. (3), 45-75.
- Rosati, J. A., & Miller, C. E. (2010). "Political Psychology, Cognition, and Foreign Policy Analysis. *International Studies Encyclopedia*. Vol.8, 1-17.
- Rosati, J.A. (1995). A Cognitive Approach to the Study of Foreign Policy. In L. Neack, P.J. Haney, and J.A.K. Hey (eds.), *Foreign Policy Analysis: Continuity and Change in its Second Generation*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall, 49-70.
- Shapiro, M. J., & Bonham, G. M. (1973). Cognitive process and foreign policy decision-making. *International studies quarterly*, Vol. 17, No. (2), 147-174.
- Spence, H. C. G. S. (2016). "*The influence of neo-conservatism on US foreign policy debates during the Obama administration*", (Doctoral dissertation, University of Glasgow).
- Shapiro. M. (2016). "*The Life and Times of Donald Trump: An Unauthorized Biography*", Riverdale Avenue Books LLC.
- Tetlock. P.E. and Mcguire .CH (1986). "Cognitive prospects on foreign policy". *Political behavior Annual*, Vol.1, No.5 148-179.
- Trump, D. J., & Schwartz, T. (1987). "*Trump: The art of the deal*". Ballantine Books.
- Waltz, K. N. (2001). *Man, the state, and war: A theoretical analysis*. Columbia University Press.
- Winberg, O. (2017). Insult Politics: Donald Trump, Right-Wing Populism, and Incendiary Language. *European journal of American studies*, Vol.12, No. (12-2). 1-17.

مقالات اینترنتی

- Anam Khan. Sh. (2018). "Scrapping of Iran nuke deal and Trump's dangerous populism: Daily Star columnist". Retrieved from: <https://www.straitstimes.com/asia/scrapping-of-iran-nuke-deal-and-trumps-dangerous-populism-daily-star-columnist>. Accessed on: 2020-05-10.

- Beauchamp. Z. (2018). "Trump's withdrawal from the Iran nuclear deal, explained", Retrieved from: <https://www.vox.com/world/2018/5/8/17328520/iran-nuclear-deal-trump-withdraw>, Accessed on:2019-05-10
- Begley, S. (2016). Read Donald Trump's Speech to AIPAC, Retrieved from: <https://time.com/4267058/donald-trump-aipac-speech-transcript>. Accessed on: 2020-05-29.
- Bolton. R. J (2017). "Trump must withdraw from Iran nuclear deal — now", Retrieved from: <http://thehill.com/blogs/pundits-blog/foreign-policy/342237-opinion-trump-must-withdraw-from-iran-nuclear-deal-now> , Accessed on: 2020-05-18.
- BBC. (2018). "HR McMaster: Why did Trump dump national security adviser?". BBC News Retrieved from: <http://www.bbc.com/news/world-europe-39033934> , Accessed on:2020-05-14.
- Cherkaoui. M. (2018). "Trump's Withdrawal from the Iran Nuclear Deal: Security or Economics?", Retrieved from: studies.aljazeera.net/en/reports/2018/05/trumps-withdrawal-iran-nuclear-deal-security-economics-180510123910355.html. Accessed on: 2018-05-14.
- Ezrow. E. (2018). "**In John Bolton, Donald Trump has an adviser who's radical even by neocon standards**", Retrieved from: <https://theconversation.com/in-john-bolton-donald-trump-has-an-adviser-whos-radical-even-by-neocon-standards-93883>, Accessed on: 2019-05-29.
- Drezner. W.D. (2017). "Why Donald Trump's foreign policy ambitions will always collapse". Retrieved from: https://www.washingtonpost.com/news/posteverything/wp/2017/11/13/why-donald-trumps-foreign-policy-ambitions-will-always-collapse/?noredirect=on&utm_term=.524df4f9a55f, Accessed on: 2019-05-12.
- Dreyfuss. G. (2018), "What's Lurking Inside Trump's War Cabinet?: With Mike Pompeo and John Bolton whispering in Trump's ear, we are one step closer to war", Retrieved from: <https://www.rollingstone.com/politics/features/trump-iran-deal-w519530> , Accessed on: 2020-05-18.
- Liptak. K. Gaouette. N. (2018), "Trump withdraws from Iran nuclear deal, isolating him further from world", Retrieved from: <https://edition.cnn.com/2018/05/08/politics/donald-trump-iran-deal-announcement-decision/index.html>, Accessed on: 2020-05-09
- Newmann. B. (2012), "A Brief Introduction to Theories on International Relations and Foreign Policy". Retrieved from: <http://www.people.vcu.edu/~wnewmann/468theory.htm> , Accessed on, 2018-03-06.

- New York Times. (2018), Full Transcript of Trump's Speech on the Iran Nuclear Deal, New York Times. Retrieved from: <https://www.nytimes.com/2018/05/08/us/politics/trump-speech-iran-deal.html>, Accessed on: 2020-05-09.
- U.S. Department of State. (2018). On President Trump's Decision to Withdraw from the JCPOA, U.S. Department of State. Retrieved from: <https://www.state.gov/secretary/remarks/2018/05/281938.htm>, Accessed on: 2019-05-09.
- Sanger. D. E , Kirkpatrick. D. (2018), "Behind Trump's Termination of Iran Deal Is a Risky Bet", Retrieved from: <https://www.nytimes.com/2018/05/08/us/politics/trump-iran-nuclear-deal-news-analysis-.html>, Accessed on: 2020-05-10
- Sherman. A. R. (2015), "The Personality of Donald Trump: What the science of personality can tell us about the Republican frontrunner". Retrieved from: <https://www.psychologytoday.com/us/blog/the-situation-lab/201509/the-personality-donald-trump>, Accessed on: 2020-05-010.
- Taylor. S. (2018), "Donald Trump: just how good a businessman is he?", Retrieved from: <https://theconversation.com/donald-trump-just-how-good-a-businessman-is-he-53713>, Accessed on: 2019-04-28
- Wilts. A. (2018), "Donald Trump to approve Iran nuclear deal for last time – if it isn't changed", Retrieved from: <https://www.independent.co.uk/news/world/americas/us-politics/trump-iran-deal-nuclear-last-time-approve-change-latest-news-updates-a8156576.html>, Accessed on: 2019-05-09
- Winter .J, Gramer. R, De luce. D, (2017), Trump Assigns White House Team to Target Iran Nuclear Deal, Sidelineing State Department, Retrieved from: <https://foreignpolicy.com/2017/07/21/trump-assigns-white-house-team-to-target-iran-nuclear-deal-sidelineing-state-department/>
- Wright. TH. (2018), "John Bolton and Mike Pompeo are headed for a clash", Retrieved from: <https://www.politico.eu/article/john-bolton-and-mike-pompeo-are-headed-for-a-clash-us-politics-security/>, Accessed on: 2020-05-18.
- Washingtonpost, (2018), In the end, no one was more surprised that Tillerson was fired, Washingtonpost. Retrieved from: https://www.washingtonpost.com/world/national-security/in-the-end-no-one-was-more-surprised-that-tillerson-was-fired-than-tillerson/2018/03/13/68d71b18-2672-11e8-874b-d517e912f125_story.html, Accessed on: 2020-06-18.